

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۵ اپریل ۲۰۲۳

طالب؛ مسلمان تر از محمد!!

سه شنبه - ۱۵ حمل ۱۴۰۲ - کابل: در یادداشت امروز مکتب کوتاهی داریم در مورد سیاست عبادتی که در هرات طالب و نظام ملاسالار روی دست گرفته و جهت تطبیق آن از لت و کوب مردم نیز دریغ نمی ورزند. اما نخست:

۱- در بحث ها و پولمیک های سیاسی روشنفکرانه گاهی اتفاق می افتد که فردی طرف مقابلش را که ادعاهای بلند بالا و غیر منطقی بیش از حدی را مطرح می سازد، به مثابه تمسخر و توهین به وی می گوید: "کاتولیک تر از پاپ" و یا هم "مارکیست تر از مارکس".

از آنجائی که در دیانت مسیح شاخه مذهبی کاتولیک آن را "پاپ اعظم" نمایندگی و سرپرستی و هدایت می نماید و همچنین آنچه امروز موسوم به مارکسیسم شده است و شامل همان سه منبع و سه جزئی است که لنین آن را چکیده و شیره افکار و نظریات مارکس دانسته، باور مند به آن را مارکسیست می دانند؛ با "پاپ" و "مارکس" هویت می یابند، لذا کاربرد و استعمال "کاتولیک تر از پاپ" و یا "مارکسیست تر از مارکس" می تواند گذشته از این که توهین آمیز باشد، به معنای تخطئه ادعا های طرف مقابل نیز شمرده شود.

در این که در بین انسانها چه تعداد افرادی را می توان یافت که واقعاً "کاتولیک تر از پاپ" و یا "مارکسیست تر از مارکس" باشند اگر پیدا هم شود حتماً کم پیدا و نادر را دارد؛ مگر آنچه را اکنون طالب زیر عنوان پیروی از "محمد" و سنت های برجای مانده از وی می خواهد تطبیق نماید، می تواند به تعداد طالب "مسلمان تر از محمد" را معرفی نماید.

۲- اگر به آنچه نوشتیم باور ندارید، لطفاً راجع به زورگویی و تطبیق زورگویانه نماز "تراویح" در بزرگ شهر هرات مراجعه نمایند. در اینجا بدون آن که به اختلاف بین تسنن و تشیع در مورد اهمیت نماز "تراویح" و ارتقای آن تا سطح "شبه واجب" در مذاهب چهارگانه تسنن بپردازم، بحث مان را در همان محدوده مذاهب چهارگانه تسنن محدود نموده و از همان منظر می بینیم که آیا لت و کوب جهت تطبیق آن در اسلام جای دارد و یا نه؟

برای آن که از خود حرفی نزده باشم در این مورد به "جلال الدین سیوطی" یکی از برجسته ترین اسلام شناسان مصری که در اواسط قرن نهم هجری تولد و الی اوایل قرن دهم هجری می زیست و بنا بر بعضی از روایات و اسناد بیش از ۵۰۰ جلد کتاب و رساله از قلم وی نگاشته شده است، مراجعه می نمائیم. نامبرده که شافعی مذهب و از مفسران، محدثان و فقهای تراز اول اسلام شناسان در همان عصر و اعصار بعدی به شمار رفته، به علاوه آن که تفسیر

معروفش موسوم به "جلالین" جایگاه خاصی بین سایر تفاسیر دارد نگاشته هایش در مورد احادیث، صرف و نحو و فقه نیز تا امروز یکی از متون درسی سطح بالای تربیت قشر ملا به شمار می رود، در مورد نماز تراویح چنین می نویسد: « آنچه در احادیث صحیح و حسن وارد شده امر به قیام رمضان و ترغیب به آن بدون ذکر عدد خاصی است و ثابت نشده که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نماز تراویح را بیست رکعت خوانده باشد و بلکه چند شب نمازی خواندند که عدد آن ذکر نشده سپس در شب چهارم از ترس آن که بر مردم فرض شود و سپس از انجامش ناتوان گردند، به نماز نیامدند...» (الموسوعة الفقهية: ۲۷ / ۱۴۲ - ۱۴۵).

هموطنان گرامی!

حال با استناد به تحقیقات یکی از بزرگترین مفسران و محدثان و فقهای جهان اسلام، شخص "محمد" پیامبر اسلام صرف بدان منظور که اگر نماز را متواتر ادا نماید، تواتر به نحوی فرضیت یا سنت مؤکده را باعث نگردد، چند شب از اجرای آن خودداری می نماید، مگر طالب ما که "مسلمان تر از محمد" است، خلاف نص صریح آیت قرآن که می گوید "لا اکراه فی الدین"، با جبر و زور مردم را به نمازی فرا می خواند و به مسجد می برد که شخص پیامبر نخواست تواتر بیابد.

وقتی چنین عملکردی را در یکی و یا چند ولایت می بینیم سؤالی که پیدا می شود این است: آیا این سیاست کلی طالب و نظام ملاسالار است که تطبیق آن عجالاً از یک نقطه ای به مثابه استمزاج عکس العمل مردم آغاز شده است و یا تصامیم فردی و سلیقه ئی این و یا آن اداره "امر به معروف و نهی از منکر" می باشد.

در پاسخ به این پرسش باید گفت: هرگاه سیاست کلی طالب چنین باشد، به نظر من امر بدی نیست؛ زیرا کاری را که ما با صد ها ساعت بحث روشنگرانه جهت نجات مردم از باورهای مزخرف شان انجام داده و می دهیم و تا حال موفق نشده ایم با دادن آگاهی، توده های میلیونی کشور را از بند خرافات نجات دهیم، زورگوئی ها و لت و کوب طالب به تنهائی ظرف چند روز آن را انجام داده، نماز را مردم به خاطر طالب خواهند خواند نه به خاطر خدا و در نیت نماز هم خواهند گفت "نیت کردم بخوانم... رکعت نماز... به خاطر طالب نه از برای خدا".

و اما در صورتی که تعمیل اجباری چنین نماز هائی سیاست کلی طالب نباشد و برخاسته از سلیقه های این و یا آن فرد باشد، مسلم است که چنین حرکتی در تکامل خود، طالب را به طرف پراگندگی و اضمحلال سوق داده، از درون چنان فرو خواهد پاشید، که کسی نتواند به مانند تخم اسپند آن را بیابد.

در چنین شرایطی بر نیروهای آگاه و انقلابی جامعه است تا نگذارند نیروهای رفرمیست و سازشکار از درب عقب وارد شده، با قربانی کردن طالب، منشأ آن را که افکار و اعتقادات و باور های اعصار کهن در وجود طالبیم است نجات دهند.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!